



آرشیو سیریشم

مجموعه غزل های پرویز کریمی

www.ketab.ir

سرشناسه : کریمی، پرویز، ۱۳۱۸ -
عنوان و نام پدیدآور : آبشار ابریشم/مجموعه غزل‌های پرویز کریمی ؛ به اهتمام اداره
کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان.
وضعیت فهرست نویسی : فیا
مشخصات نشر : گرگان: پیک ریحان ، ۱۳۹۷.
شناسه افزوده : ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. اداره کل فرهنگ و ارشاد
اسلامی استان گلستان
مشخصات ظاهری : ۱۷۲ ص.
موضوع : شعر فارسی-- قرن ۱۴
موضوع : Persian poetry -- ۲۰th century :
رده بندی دیویی : ۶۲/۱۴۸
رده بندی کنگره : ۸۳۵۸PIR ۱۳۹۷ ۱۳۹۴۲/۹
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۵۱-۲۴-۵
شماره کتابشناسی ملی : ۵۵۰۳۳۱۵

آبشار ابریشم

مجموعه غزل‌های پرویز کریمی
به اهتمام اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان
نشر پیک ریحان/ چاپ اول/ سال ۱۳۹۸
قطع رقعی/ ۱۷۲ صفحه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۵۱-۲۴-۵
چاپ: خورشید گرگان
قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان

مقدمه

خدا رو شکر
کسی در خانه هست
نفسی، پله‌ای
خدا رو شکر «اورهان ولی»

پرویز در خانه هست، پرویز نعمتی است در عرصه شعر و ادبیات، بودن او و شعرهایش رنگ و بوی عاشقی را پررنگ تر کرده است. ابزار کار عاشقان را مهیا و آسان‌تر کرده است. پرویز جان! من چه طور غزلیات تو را بخوانم و عاشق نشوم.

پرویز کریمی متولد ۱۳۱۸ در سرزمین جنگل و دریا، با پهن‌دشت صحرا و کشت و کار، او غم‌دار عشق است. او ابتدا واژه‌ها و کلمات را به بند می‌کشد تا بی‌چون و چرا از او پیروی کنند، او عاشق مغرور است که خود را سآ خریدار ناز و عشوه معشوق نمی‌شود، او این توانایی را دارد که به اشیاء و اجسام جان دهد تا او را در راه رسیدن به معشوق یاری نمایند. از آینه و مژگان و دیبای نرم بستر و ... برای به تصویر کشاندن دلبستگی و دلدادگی سود می‌جوید. (غزل پرتو نگاری)

دیبای نرم بسترت تا باز بتوازد تو را تا لحظه‌ی خوابیدنت ساعت شماری می‌کند

چشمان هیز آینه در حسرت غربانیات تا وقت رخت افشانیات چشم انتظاری می‌کند
«پرویز کریمی»

تکنیک و تسلط او هر چند در غزل است ولی در قالب‌های شعر سپید، قطعه و رباعی نیز توانایی خویش را به نمایش گذاشته است و نشان داده که شعور و احساس و آگاهی او تمام نشدنی است.

هر چند او فرصت آموزش و بهره‌گیری از محضر بزرگان عرصه ادبیات را نداشته ولی دیدار با احمد شاملو، منوچهر آتشی، نصرت رحمانی و سپانلو او را مشتاق‌تر از گذشته به پیش رانده است.

اشعار او گاه چنان به اشعار قدما پهلوی می‌زند که بی‌اختیار سر تعظیم در برابر این توانایی فرود می‌آوریم. او خیلی بیشتر از این‌ها می‌ارزد. کمی بی‌توجهی خودش با جانشی بی‌مسئولیتی و عدم قدرشناسی دست اندرکاران حوزه فرهنگ و هنر، او را در جایگاه واقعی خودش نشاننده است.

شادش بدار ای آسمان! آن را که بی تیر و کمان در دشت رنگین غزل، صید غزالان می‌کند

«پرویز کریمی»

چو خوش صید دلم کردی بنازم چشم مست را که کس آهوی وحشی را از این خوشتر نمی‌گیرد
«حافظ»

شروع این غزل «صید غزالان غزل» از فاخرترین ابیات معاصر است.

شنلی است در چشمان او، وقتی که طغیان می‌کند هم خانه بی می‌افکند، هم خانه ویران می‌کند
«پرویز کریمی»

«پرچین» مجموعه اشعاری که در سال‌های دور، از او به چاپ رسیده است حاوی اعتراضات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی اوست که با زبان و کلامی شیوا سروده شده است. «طنین تندر» کتابی است شامل مجموعه غزلیات، رباعی، دوبیتی و قطعه که در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است. «آبشار ابریشم» کتاب حاضر حاوی غزل‌های او بار دیگر توانایی این شاعر لطیف گوی و با احساس را در عرصه غزل‌های عاشقانه نشان می‌دهد و ثابت می‌کند می‌شود در مرز هشتاد سالگی عاشق ماند.

کلید خانه را دست که بسپارم نباشی تو؟ سرم را روی دامن که بگذارم نباشی تو؟

کجا منزل کنم وقتی که خانه بی تو زندان است؟ که بر زخم نهد مرهم، پرستارم نباشی تو؟
«پرویز کریمی»

در این غزل، اعتماد، نیاز، درمان، تیمار، مددکار و همه صفات پسندیده در معشوق به نمایش گذاشته شده است.

پرویز را باید دوباره از نو سرود، از نو دوباره خواند، از نو دید و از نو شناخت.

«هر کسی باید روزانه یک آواز بشنود، یک شعر خوب بخواند، به یک اثر هنری خوب نگاه کند و در صورت امکان چند کلمه حرف منطقی بزند» «کوته»

پرویز جان همان! بودنت غنیمت است، می‌خواهم هر روز یک شعر خوب از تو بخوانم و عاشق بمانم و بدانم که زنده‌ام.

شاپور اسلامی

رئیس خانه هنرمندان استان گلستان

مدرس انجمن خوشنویسان ایران

فهرست:

۴	مقدمه
۱۱	در حرارت‌های تو
۱۲	کیمیا در گنداب!...
۱۴	حرمت اصحابِ قلم...
۱۵	فندپارسی!...
۱۷	ولی نمی‌شود امشب!...
۱۸	امشب...
۱۹	بی همه چیزم امشب!
۲۰	تَجَلّی حضور تو!...
۲۱	آبِ تنی تو در زلالی غزل
۲۳	تو بهترین غزلی...
۲۴	به قداستِ حرم خدا
۲۵	شیرین سخن!...
۲۶	شب سپید یگانه گی
۲۷	در سایه‌ی صداقت تو!...
۲۸	وقتی تو آمدی!...
۲۹	تک خال!...
۳۱	هوای صاف...
۳۲	اختلال در منظومه شمسی...
۳۴	بهترین شیوه...
۳۵	حجابِ بردلِ غریبان
۳۶	جایگاهی شایسته!...
۳۷	در قلمرو ملکوتی نگاه تو!...
۳۹	کرشمه‌ی تو شرابی...
۴۰	همیشه غزل...
۴۱	آشکِ زُمرّد!...
۴۲	گلشنِ فرزانیگی
۴۴	دو برگِ سبز
۴۵	یک نفر باید بیاید!...
۴۶	پرتونگاری...

۴۸	قبله...
۵۰	از هنرنوازی تو...!
۵۱	گفتار برگزیده...
۵۲	شب شکن...
۵۳	مُفت باز...
۵۴	مُهر ابطال...
۵۵	تُفالِه درآمد...
۵۶	خاک حاصل خیز...
۵۷	حسادت...!
۵۸	شبِ دریا...!
۵۹	از سَمَت فلان...
۶۰	شهربی قانون...!
۶۱	سقوط در ظلمات...
۶۳	در مراسم تدفین شعرناپ...!
۶۵	عروس شعر...
۶۶	رقص زُهره (در تالار منظومه شمسی)
۶۷	اگر آن نبود این نبود!
۶۸	هفتاد و دو سالگی تو...
۶۹	پیامک تاریخ...
۷۱	امیدوارم کن...!
۷۲	ماجرای آن شب...
۷۴	سَمَت عرصه‌های مَنور...!
۷۵	رسولان بی کتاب...
۷۷	به کسی دگر تسپارمت
۷۸	سَراب آب نما
۷۹	در متن زندگانی
۸۱	رونمایی
۸۲	طلایه دارغزل
۸۳	صدایی که شنیده نشد
۸۵	آرامش در سایه آفتاب

۸۶	خنجری از پُشت
۸۷	عَرَقَه در انگبین
۸۹	خوابِ ناز
۹۱	مَرَدِ زندگانی...
۹۲	غزلِ بله برون
۹۳	روزِ بزرگ...
۹۵	هزارشاخه نشاندم!...
۹۶	بازآفرینیِ واقعیت
۹۸	من از تسلیم بیزارم
۹۹	رَکَبِ بزن!...
۱۰۰	بله برون
۱۰۱	بشکن!...
۱۰۲	برای اینکه نَخُشَکَم!...
۱۰۳	نَکْخَال!...
۱۰۴	نَقَبی به سوی نور!...
۱۰۵	دُنْبالِ من بیا!...
۱۰۶	هفت قدم، به دُنْبالِ تابوت!...
۱۰۷	همیشه، مثلِ همیشه...
۱۰۹	عَزَلِ سبز!...
۱۱۰	از «دوستت دارم»...
۱۱۱	بخوان به نام قناری
۱۱۲	غزل برای «غزاله»: دخترم
۱۱۳	تاجِ سعادت...
۱۱۴	بدونِ تو
۱۱۵	عُروسِ غزل
۱۱۶	میانِ دوبازیِ مهتابی تو
۱۱۷	گلِ آتش
۱۱۹	حالتی از دَریوزه
۱۲۰	رَنجِ برآحمق
۱۲۱	بازارِ گرمِ غزل
۱۲۲	شیرین تر از عسل

۱۲۳	تَجَلّی
۱۲۴	بیا و معجزه کن...
۱۲۵	آهنگِ سَفَر...
۱۲۷	سرزمینِ پاک
۱۲۹	ستاره آمده یا نه؟
۱۳۰	در کنارِ تو
۱۳۲	شبِ تَاکِستان
۱۳۴	گلایه ای از یک عزیز
۱۳۶	سَرِ قَتَلگاهِ من
۱۳۷	سرچشمه‌ی عَطَش
۱۳۸	اگر تو نباشی...
۱۴۰	تو دیگه کی هستی؟
۱۴۱	شبیهِ ذاتِ جَهَنم
۱۴۲	یادگاری برای تو
۱۴۳	چند کلام با حافظ
۱۴۵	هُشدار...
۱۴۶	تَک خال...
۱۴۷	چه آمده به سَرَت؟!...
۱۴۹	در باغِ نیشکر...
۱۵۰	شبیهِ خاطره ...
۱۵۱	قَالَی پانخورده...
۱۵۲	فصلِ کاشت...
۱۵۳	غَزَل سبز
۱۵۵	گپی پدرا نه بامدعیان «پُست مدرن»
۱۵۷	هم ستایش هم گلایه
۱۵۹	تاج‌مباهات
۱۶۱	گلایه‌هایی از گل
۱۶۳	حیف تو نیست!
۱۶۵	غَزَل مثنوی
۱۶۶	تو رامثل یک راز

۱۶۷----- به سَمْتِ ریشه

۱۷۰----- رقصِ غزل

۱۷۰----- پیرامونِ رُخسارِ تو...

www.ketab.ir